

نگاهی گذرا به جریان سلفی تکفیری داعش

(قسمت نهم)

۱۰- کارکردهای جریان تکفیری

۱۰-۱- سطح بین‌الملل و کشورهای منطقه

خطر «محوریت» شدن جریان تکفیر در تعاملات و روابط سیاسی بین کشورها و گسترش عرصه آن در هر دو شکل وهابی (عربی)، دیوبندی (شبه‌قاره‌ای) از نظر آمریکایی‌ها می‌تواند ادامه یابد و حتی مورد حمایت قرار گیرد؛ مشروط بر آن که نوک تیز این جریان علیه چین در ایالت سین‌کیانگ و در آسیای مرکزی برای خارج کردن این منطقه از نفوذ روسیه و در چین و اینگوش و داغستان برای استقلال بخش‌های مسلمان‌نشین روسیه و در خاورمیانه علیه ایران باشد و آسیبی به منافع آمریکا نزند. در این باره محورهای زیر قابل توجه است:

- تحول در محیط امنیتی و جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه؛
- تحلیل سرمایه‌های انسانی و ظرفیت‌های جهادی طیف جوانان مسلمان؛
- تخریب زیر ساخت‌های نظامی، امنیتی دولت‌های اسلامی؛
- تخریب زیرساخت‌های عمرانی، اقتصادی کشورهای اسلامی؛
- تحمیل هزینه‌های هنگفت مالی به کشورهای منطقه؛
- زمینه‌سازی برای حضور و مداخله قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و ناتو در منطقه و کشورهای اسلامی؛
- تضعیف محور مقاومت اسلامی در مقابله با صهیونیسم و اشغالگران قدس شریف؛
- تضعیف موج اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی در جوامع غربی؛
- سرکوب مقاومت‌های اسلامی با شکل‌گیری ائتلاف‌های امنیتی - نظامی چندجانبه و دوجانبه فرا منطقه‌ای بر ضد مقاومت‌های اسلامی؛
- نفوذ و کنترل قدرت‌ها بر مراکز حساس امنیتی و سیاسی کشورهای منطقه؛
- نقش‌آفرینی و بهره‌برداری قدرت‌ها از اختلافات ناشی از فعالیت‌های گروه‌های تکفیری و تروریست در میان دولت‌ها و مسلمانان در منطقه خاورمیانه؛
- ایجاد ناامنی در حوزه‌های جغرافیایی منطقه خاورمیانه؛

- از هم گسیختگی نظم حاکم بر منطقه با فروپاشی اقتدار نظام های سیاسی، تضعیف حاکمیت ها و تخلیه ظرفیت ارتش ها و نهادهای امنیتی در کشورها؛
- پیدایش بازیگر جدید و شکل گیری نظام خودکامه و غیر پاسخگو داعش با اشغال بخش های وسیعی از سرزمین عراق و سوریه؛
- بهره مندی غرب از بحران و آنارشی شناور و مدیریت شده در غرب آسیا برای پیشبرد اهداف راهبردی خود در منطقه؛
- بروز بن بست ناشی از نوعی توازن در بین بازیگران اصلی در منطقه و ناتوانی هریک از آنها به صورت مستقل در حل چالش های منطقه و ایجاد نظمی نوین در آن؛
- آگاهی افکار عمومی نسبت به ابعادی از ماهیت جریان تکفیری به خصوص داعش به سبب گسترش رفتار افراطی آن در تعامل با پیروان اقلیت های قومی، دینی و مردم بی گناه منطقه، به ویژه پس از دامن گستری این خشونت ها به اتباع غربی و حوزه های اروپا،
- ایجاد موقعیت مناسب برای تخلیه انرژی متراکم و رها شده در لایه های اجتماعی مردم مسلمان منطقه از راه اولویت دادن درگیری های درونی، تمرکز یافتن درگیری ها در مناطق مورد نظر، انتقال افراد دارای زمینه به این مناطق برای درگیری و...؛
- ارائه تصویری افراطی، خشن، هراسناک از گروه ها و عقاید اسلامی و مسلمانان به جهان (پروژه اسلام هراسی)؛
- ایجاد شرایط و امکان مناسب در قالب مدیریت بحران، برای صدور مجوزهای لازم برای ورود و دخالت آمریکا و غرب در خاورمیانه و شمال آفریقا و... برپایه نظریه های مداخله بشردوستانه، جنگ عادلانه، دفاع تلافی جویانه، ضربه پیشگیرانه و...؛
- کنش ها و کارکردهای جریان تکفیری، علائم به شدت هشداردهنده ای را به غرب و ساختارهای منطقه ای خواهد فرستاد که تأثیر مثبتی را در حل و فصل بحران ها در پی خواهد داشت. (سوریه، عراق، لبنان، افغانستان و...)
- صرف نظر کردن غرب و متحدانش در رویکردهای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و تغییر راهبرد اعمال تهدید حاکمیت؛
- تلاش غرب برای نفوذ در ساختار تصمیم گیری ایران از طریق ابراز تمایل و تلاش برای همکاری های منطقه ای و فرامنطقه ای با نظام ایران جهت مقابله با گروه های تکفیری تروریستی؛
- ایجاد ظرفیت بازدارندگی و مدیریت کارآمد در نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق همکاری و تعامل با گروه ها و جریانات معارض و تروریست؛

• راهبرد اتاق‌های فکری - اطلاعاتی اردوگاه غربی - صهیونیستی در چارچوب نظریه «آشوب‌سازنده»، حمایت سیاسی، مالی و تسلیحاتی از جریان بنیادگرایی رادیکال اسلامی بوده و از جریان تروریستی داعش برای تأمین منافع خود در چارچوب اهداف زیر بهره‌برداری می‌کند:

الف. ایجاد بحران و فعال نگه داشتن چرخه آن در مناطق مورد نظر (عراق، سوریه، مصر و...)

ب. ایجاد واگرایی و پراکندگی میان کشورهای اسلامی از راه تقابل شیعه و سنی، تنازع قومی و...؛

ج. گسست در روند همگرایی جهان عرب و جهان اسلام در تقابل با اسرائیل؛

۲-۱- سطح داخلی و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

مجموعه خشونت‌هایی که در مرزهای ایران رخ می‌دهد، تا حدی ریشه در سیاست‌های واگرایانه آمریکایی‌ها دارد. حرکتی که آمریکا مطابق تجربه انگلیس اجرا می‌کند برای ایران مهم است، زیرا سعی می‌کند مرزهای میان مکتب دیوبندی و مکتب سلفی و وهابی را از میان بردارد و آنها را از یک سو بر ضد مخالفان خود به‌کارگیرد. از سوی دیگر، به جنگ درون دینی / بین مذهبی (شیعه و سنی) دامن زند. این سناریو می‌تواند در روند رفتار رادیکال‌های شیعه و سنی اثرگذار باشد و نمونه آن در پاکستان در حال اجرا است که پس از شکل‌گیری بحران در سوریه، تندتر شده است و این طرح می‌خواهد در سراسر منطقه به مرحله جنگ شیعه - سنی برسد و هم‌اکنون گستره آن به لبنان و عراق کشیده شده است. اهداف دیگری که برای سناریوی آمریکایی‌ها در حمایت از گروه‌های تکفیری و تجزیه‌طلب بلوچ دو کشور (پاکستان و ایران) متصور است، ضرورت حضور نظامی بلندمدت در افغانستان و دسترسی به یک راه ارتباطی از دریا به افغانستان است. برای تبیین و تفصیل موضوع بالا، محورهای زیر قابل توجه است:

• تقابل باراهبردهای ایران (مانند وحدت امت اسلامی، تقریب بین مذاهب، اولویت داشتن مسئله فلسطین و مقاومت در برابر اسرائیل)؛

• تحول در محیط امنیتی داخل جمهوری اسلامی با جذب بخشی از اتباع داخلی به گروه‌های رادیکال و تروریست؛

• تسری‌یابی احتمالی منازعات به داخل قلمرو جغرافیایی ایران؛

• تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی به نظام جمهوری اسلامی با هدف نگهداری از ساختار امنیت داخلی و سپس حضور هدفمند و پیشگیرانه در یک طرف منازعات جاری؛

• معبر قرار گرفتن جمهوری اسلامی برای تردد نیرو، انتقال امکانات، اطلاعات و... بین افغانستان و پاکستان با عراق و سوریه؛

• تشدید اختلافات قومی - مذهبی در سطح داخل کشور؛

- تضعیف عمق نفوذ استراتژیک جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه؛
- تهدیدات مرزی در نتیجه هم مرز شدن احتمالی داعش با مناطق غربی جمهوری اسلامی ایران؛
- بروز شبکه‌های خرابکاری در مناطق مستعد قومی - مذهبی؛
- تعمیق اختلافات سیاسی در میان نخبگان و مسئولان کشور درباره چگونگی کنترل و مهار افشار مستعد برای همکاری با گروه‌های تکفیری، تردید افکنی در حوزه‌های ارزشی نظام (نحله‌های فکری) رابطه میان اهل سنت و شیعیان و سایر مذاهب (رویگردانی، واگرایی، بی‌اعتمادی و...)
- ظرفیت‌سازی برای دیگر جریان‌های معارض با نظام و احتمال ائتلاف‌های تاکتیکی میان گروه‌های معارض با گروه‌های تکفیری؛
- تهییج افکار عمومی داخل و در نتیجه حضور خود سرانه یا سازمان یافته بخشی از اتباع جمهوری اسلامی ایران در جریان این منازعات اعم از شیعه و سنی؛

ادامه دارد